

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویکردهای نقد ادبی عرب در قرن بیستم



ابراهیم عبدالعزیز السمری

ترجمه:

دکتر سیدحسین سیدی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

سرشناسه: السمری، ابراهیم عبدالعزیز، ۱۹۶۵
 عنوان قراردادی: انتجاهات النقد الادبی العربی فی القرن العشرين. فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: رویکردهای نقد ادبی عرب در قرن بیستم/ ابراهیم عبدالعزیز السمری؛ ترجمه سیدحسین سیدی.
 مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
 فروست: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۹۰۹.
 شابک: ISBN: 978-964-386-605-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۱ - ۲۵۶.
 موضوع: نقد ادبی - کشورهای عربی - تاریخ - قرن ۲۰ م.
 ادبیات عربی - تاریخ و نقد ادبیات عربی - قرن ۲۰ م. - تاریخ و نقد
 شناسه افزوده: سیدی، سیدحسین، ۱۳۴۱ - مترجم
 شناسه افزوده: بلاوی، رسول، ۱۳۶۲ - ویراستار
 شناسه افزوده: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
 رده بندی کنگره: PJA۲۰۲۳
 رده بندی دیویی: ۸۹۲۷۰۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۸۲۸۶۸

Literary criticism -- Arab countries -- Hisgory -- 20th century*
 Arabic literature -- History and criticism
 Arabic literature -- 20th century-- History and criticism

رویکردهای نقد ادبی عرب در قرن بیستم

پدیدآورنده: ابراهیم عبدالعزیز السمری
 ترجمه: دکتر سیدحسین سیدی
 ویراستار علمی: دکتر رسول بلاوی
 ویراستار ادبی: هانیه اسدیپور فعال مشهد
 مشخصات: وزیری، ۲۰۰ نسخه، چاپ اول، زمستان ۱۴۰۲
 چاپ و صحافی: چاپخانه دقت
 بها: ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.



مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
 تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
 مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن بست
 گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
 مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
 تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

فهرست مطالب

مقدمه مترجم ۷

مقدمه ۹

بخش نخست: رویکردهای بافت‌گرا

فصل ۱. رویکرد تاریخی ۱۵

رابطه رویکرد تاریخی با نظام بافت‌گرایی ۲۱

هدف رویکرد تاریخی ۲۱

دستاوردهای رویکرد تاریخی ۲۳

رویکرد تاریخی در نقد ادبی عرب ۲۳

عقاد و رویکرد تاریخی ۲۸

نمونه‌هایی از نقد تاریخی ۳۰

عیب‌های رویکرد تاریخی ۳۲

فصل ۲. رویکرد جامعه‌شناختی ۳۵

نقدهایی بر رویکرد جامعه‌شناختی ۴۳

رویکرد جامعه‌شناختی در نقد ادبی عرب ۴۳

نمونه‌ای از نقد جامعه‌شناختی ۴۹

فصل ۳. رویکرد روان‌شناختی ۵۷

مفهوم و پیدایش رویکرد ۵۷

رویکرد تحلیل روان‌شناختی در نقد ادبی مغرب‌زمین ۶۲

رویکرد روان‌شناختی در نقد ادبی عرب ۶۵

عقاد و رویکرد روان‌شناختی ۶۸

۷۸..... طه حسین و رویکرد روان‌شناختی.....

۸۲..... نقد رویکرد روان‌شناختی.....

۸۵..... **فصل ۴. رویکرد اسطوره‌ای**.....

۹۰..... ناقدان برجسته رویکرد اسطوره‌ای در مغرب‌زمین.....

۹۶..... رویکرد اسطوره‌ای در نقد عربی.....

۱۰۶..... نمونه‌های نقدی در پرتو رویکرد اسطوره‌ای.....

۱۱۰..... نمونه‌ای از نقد رمان عربی در پرتو رویکرد اسطوره‌ای.....

۱۱۴..... نقد رویکرد اسطوره‌ای.....

بخش دوم: رویکردهای مدرن

۱۱۹..... **فصل ۱. ساختارگرایی**.....

۱۱۹..... مفهوم‌شناسی.....

۱۲۴..... پیدایش و تحول ساختارگرایی.....

۱۳۷..... انواع ساختارگرایی.....

۱۳۸..... اهمیت رویکرد ساختارگرایی.....

۱۳۹..... ساختارگرایی در نقد ادبی عرب.....

۱۵۰..... نقدهایی بر ساختارگرایی.....

۱۵۳..... **فصل ۲. سبک‌شناسی**.....

۱۵۳..... مفهوم‌شناسی.....

۱۵۴..... معنای اصطلاحی سبک و سبک‌شناسی.....

۱۵۸..... تاریخ سبک‌شناسی.....

۱۶۳..... روش تحلیل سبک‌شناختی.....

۱۶۵..... اهمیت سبک‌شناسی.....

۱۶۶..... گونه‌های سبک‌شناسی.....

۱۶۷..... سبک‌شناسی در نقد عربی.....

۱۷۰	نقدهایی بر سبک‌شناسی.....
۱۷۱	نمونه‌ای از نقد سبک‌شناختی.....
۱۷۱	حسّ واقعی.....
۱۷۲	مدلول حسّی و انتزاعی واژگان.....
۱۷۳	عدول از معنای اصلی.....
۱۷۴	معانی و تنوع دلالت.....
۱۷۶	تنوع در تصاویر موازی.....

فصل ۳. نشانه‌شناسی.....

۱۷۹	مفهوم‌شناسی.....
۱۷۹	تعریف رویکرد نشانه‌شناختی.....
۱۸۴	گونه‌های نشانه‌شناسی و مهم‌ترین رویکردها.....
۱۸۶	رویکردهای نشانه‌شناسی.....
۱۹۰	نشانه‌شناسی در نقد ادبی عرب.....
۱۹۳	نمونه‌ای از نقد نشانه‌شناختی.....
۱۹۸	پایانه متن.....
۱۹۹	زبان متن.....

فصل ۴. واسازی یا شالوده‌شکنی.....

۲۰۱	مفهوم‌شناسی.....
۲۰۳	پیدایش شالوده‌شکنی.....
۲۰۷	مهم‌ترین اصطلاحات واسازی.....
۲۱۰	خوانش شالوده‌شکنانه.....
۲۱۱	راهبرد شالوده‌شکنی.....
۲۱۳	نقد شالوده‌شکنی.....
۲۱۴	شالوده‌شکنی در نقد ادبی عرب.....
۲۱۷	نمونه‌ای از نقد شالوده‌شکنانه.....
۲۱۹	فضای سرگردانی.....

۲۲۱	فضای رؤیایی.....
۲۲۳	فضای متحرک و پریشان.....
۲۲۵	ثوری جیاع الشعب ثوری!.....

۲۲۷	فصل ۵. نظریه‌های بینامتنیت
۲۲۹	مفهوم بینامتنیت.....
۲۳۰	پیدایش بینامتنیت.....
۲۳۵	شکل‌های بینامتنیت.....
۲۳۶	گونه‌های بینامتنیت.....
۲۳۶	قوانین بینامتنیت.....
۲۳۷	تحلیل بینامتنی.....
۲۳۸	بینامتنیت در نقد عربی.....

۲۴۹	سخن پایانی
۲۵۱	کتابنامه
۲۵۷	نمایه

مقدمه مترجم

ورود مدرنیسم در جهان عرب به همراه خود تحولاتی را در پی داشت و روشن فکران و تحصیل کردگان این سرزمین نسبت به آن موضع گیری های متعدّد داشتند. گروهی مبانی آن را پذیرفتند و به تمام شئون زندگی از جمله ادبیات تسری دادند؛ گروهی هم به نقد آن پرداختند و تمام ارزش های مدرنیسم را انکار کردند. در این میان، گروه سوم هم وجود دارند که نه کلیت ارزش های مدرنیسم را می پذیرند و نه تمام ارزش های آن را نفی می کنند. این ها در پی آشتی دادن مبانی مدرنیسم با ارزش های ملی خود هستند. به اعتقاد این گروه می توان مبانی مدرنیسم را در بسیاری از حوزه ها با ارزش های ملی سازگار کرد. این کنش های سه گانه در حوزه ادبیات، به ویژه شعر و نقد ادبی، نیز ظهور و بروز یافته است. حضور مکاتب و رویکردهای مدرن نقدی غرب در جهان عرب یکی از جلوه های مدرنیسم ادبی است که موجب تغییراتی در نگرش ادبا و ناقدان به مسئله ادبیات و نقد ادبی شده است. از جمله این تغییرات در حوزه نقد ادبی، حضور رویکردهای نوین در نقد شعر و داستان است که می توان به رویکردهای بافت گرا، تاریخی، جامعه شناختی، روان شناختی، اسطوره ای، ساختارگرا، نقد نشانه شناختی و نقد شالوده شکنانه اشاره کرد.

کتاب حاضر در راستای رویکرد سوم به مدرنیسم در حوزه نقد ادبی است. نویسنده کتاب، عبدالعزیز السمری، شاعر و نویسنده مصری است که علاوه بر حوزه شعر و نویسندگی، به حوزه مسائل سیاسی، به ویژه فلسطین، علاقه مند است. وی در سال ۱۹۶۲ به دنیا آمده است و عضو اتحادیه نویسندگان مصر است. در این کتاب نویسنده ابتدا به تحلیل مبانی مکاتب نوین نقدی می پردازد و سپس ضمن نقد آن مبانی می کوشد نمونه هایی از تأثیر و حضور آن مبانی را در رویکردهای ناقدان معاصر عرب بیابد. نویسنده آن گونه که به خوبی دریافته است، قرن بیستم، قرن نقد بوده است و بنابراین تمرکز بر تحلیل مبانی نقدی در قرن بیستم، یعنی تحلیل مبانی مدرنیسم ادبی. از نظر نویسنده، سه رخداد در جهان عرب موجب رشد و توسعه نقد مدرن شده است: نخست، انتشار مجله فصول یا مجله نقد ادبی در اواخر سال ۱۹۸۰ توسط کانون نویسندگان مصری، رخداد دوم توجه ناقدان عرب در سال ۱۹۹۰ به آثاری که برای نخستین بار به زندگی و آثار ناقدان عرب و نقد مدرن می پرداختند و رخداد سوم، انتشار مجله علامات فی النقد الأدبی در سال ۱۹۹۱ توسط انجمن ادبی فرهنگی در شهر جدّه.

مهم ترین ویژگی این کتاب، چنان که گفته شد، طرح دقیق مسئله هر رویکرد نقدی و سپس نقد مبانی آن و در نهایت بیان پیشینه هر یک از رویکردها و مکاتب نقدی در جهان معاصر عرب است. هدف اصلی نویسنده

آن است که نشان دهد ناقدان معاصر عرب در تعامل با این مکاتب چگونه برخورد کرده‌اند؟ بنابراین با ذکر نمونه‌هایی از آثار ناقدان معاصر عرب به تبیین این تعامل می‌پردازد. مطالب کتاب در یک تقسیم‌بندی کلی به دو بخش تقسیم شده است: بخش نخست به رویکرد بافت‌گرا می‌پردازد که در ذیل این بخش رویکردهای تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اسطوره‌شناختی و اسطوره‌ای مطرح شده‌اند. در بخش دوم کتاب نیز رویکردهای مدرن آمده‌اند که در ذیل آن به ساختارگرایی، سبک‌شناسی، نشانه‌شناسی، شالوده‌شکنی و بینامتنیت اشاره شده است.

کتاب حاضر جامع‌ترین کتاب در حوزه رویکردها و مکاتب نقد مدرن در نقد ادبی عرب در قرن بیستم است. مترجم کوشیده است تا آنجا که ممکن است، اصطلاحات را به معادل‌های آشنا در زبان فارسی برگرداند تا برای همگان قابل فهم باشد.

سیدحسین سیدی

مشهد، پاییز ۱۴۰۲

press.um.ac.ir

مقدمه

نقد ادبی عرب از دوره جاهلی مبتنی بر ذوق ساده بود. ناقد در آن دوره، لفظ و معنای جزئی را بررسی و بر تأثیرپذیری تکیه می کرد، نه بر اصول و مبانی ای که در شرح و تحلیل به آن‌ها مراجعه کند و در نهایت به ارزش شعر و جایگاه شاعر در میان همگنانش رأی صادر می کرد.

نقد از دوره‌ای به دوره‌ای و از قرنی به قرنی ادامه یافت تا اینکه در قرن چهارم هجری به اوج خود رسید. البته این پیشرفت و تکامل به واسطه «توجه ویژه ادیبان ناقد به این دانش و پختگی ذوق آنان به واسطه بررسی بسیار و مقایسه‌گری بوده است. این ادیبان ناقد به واسطه تسلط بر ادبیات کلاسیک و بررسی ادبیات جدید توانسته بودند میان زیبایی طبع و زیبایی هنر، وحدت برقرار نمایند. بنابراین ذوقشان لطیف و استوار گشت و به همین روی نقدشان ژرف و فراگیر بود و پدیده‌های ادبی را تحلیل می کردند و به مبانی درست آن ارجاع می دادند».

نقد ادبی عرب در آن دوره به واسطه آثاری چون *سر الصناعتین* به مسئله کشف توجه داشت و به *عیار الشعر* رسید و به شناخت *اسرار البلاغه* دست یافت تا اینکه به معنای دقیق در *منهاج البلغاء* و *سراج الادباء* به بار نشست که به واسطه این اثر «*داوری هنر کلامی*» شناخته می شد و از طریق آن به کشف *مساویء الشعر* و *محاسنه و الابانه عن السرقات و الوساطه بین المتبتی و خصومه و الموازنه* میان شاعران یک دوره تحویل یافت.

نقد در مسیر تکاملی همچنین توانست «طبقات شاعران سترگ» و معیارهای مهارت شاعری را تعیین کند و به تبیین اختیارات شاعری هنگام ضرورت پردازد».

در دوره‌های بعد نیز نقد به راه آن بزرگان رفت و طبق الگوهای آن‌ها حرکت می کرد تا اینکه دوران ضعف و انحطاط ادب عربی فرارسید که نقد نیز با آن دچار ضعف و سستی شد. یعنی روزگاری که ادبیات به تقلید و هنری بی روح بدل گشته بود، نقد نیز با آن به خاموشی گرایید. اما با رنسانس عربی، ادبیات جان تازه‌ای یافت و به آن شکوه دوباره بازگشت و نقد با جهش از رکود، تحت تأثیر جنبش‌های نقدی و رویکردهای مدرن غربی قرار گرفت. هنوز به دهه‌های نخست قرن بیستم نرسیده بودیم که نقد ادبی عرب با بسیاری از رویکردها و نظریه‌های غربی آشنا شد و آثار نقدی قابل ملاحظه‌ای ظهور یافتند. نزاع‌های ادبی و نقدی میان طرفداران قدیم و جدید، سنت و مدرنیسم در گرفت و در نهایت نقد به علمی با قواعد و مبانی و اصول بدل گشت و دیدگاه‌های مبتنی بر ذوق و احساس فردی در پس پرده پنهان شد.

۱. احمد الشایب، اصول النقد الادبی، مكتبة النهضة المصرية، چاپ دهم، ۱۹۹۴، ص ۱۱۲.

۲. صبری حافظ، افق الخطاب النقدي: دراسات نظرية و قراءات تطبيقية، چاپ اول، دار شرقیات للنشر، قاهره، ۱۹۹۶، ص ۴۸.

فضای فرهنگی عرب در دهه‌های هشتاد و نود قرن بیستم شاهد سه رخداد بود که بر نفوذ و رشد کارآمدی نقد ادبی تأکید می‌کرد: نخست، انتشار مجله فصول یا مجله نقد ادبی در اواخر سال ۱۹۸۰ توسط کانون نویسندگان مصری نقد را به‌عنوان یک علم با رویکردهای مختلف مطرح می‌کرد.

عبدالله ابوهیف درباره این رخداد می‌گوید: «به‌نظم هیچ پژوهشگر یا ناقدی نمی‌تواند از مباحث نقدی‌ای که مجله فصول به آن پرداخته است، بی‌نیاز باشد. مهم‌ترین مسائل نقد ادبی که در آن مجله طرح شده بود، به‌قرار زیر است: چالش سنت، رویکردهای نقد ادبی، مسائل شعر عربی، رمان، قصه، نمایش‌نامه (رویکردها و چالش‌ها)، داستان کوتاه (رویکردها، چالش‌ها)، ادبیات تطبیقی، مدرنیسم در اندیشه و ادبیات، سبک‌شناسی، ادبیات و هنرها، ادبیات و ایدئولوژی، میراث نقد عرب، زیبایی‌شناسی نوآوری و تحول فرهنگی، چالش اصطلاح ادبی، رویکردهای نقد جدید عرب، ادبیات و آزادی، هنر/رویکرد شب، نمایش‌نامه، خوانش‌های سنتی، زمان رمان، نقد ادبی، علوم انسانی و...».

رخداد دوم، توجه ناقدان عرب بود در سال ۱۹۹۰ به آثاری که برای نخستین بار به زندگی و آثار ناقدان مدرن عرب و جنبش ادبیات و نقد مدرن می‌پرداختند.

رخداد سوم، انتشار مجله علامات فی النقد الادبی در سال ۱۹۹۱ توسط انجمن ادبی، فرهنگی در جده بوده است. این مجله با مجله فصول اشتراکاتی داشت و بدین ترتیب نقد ادبی دوباره جانی تازه یافت و ناقدان در ترجمه آثار و تدوین دیدگاه‌های خود، به‌ویژه در حوزه پیوند نقد ادبی با علوم انسانی، تلاش‌های زیادی کردند.

قرن بیستم را واقعاً باید قرن طلایی پژوهش‌های نقدی دانست؛ چون نقد ادبی عرب در این دوره با رویکردهای بسیاری آشنا شد. برخی از این رویکردها مانند رویکردهای بافت‌گرا (رویکرد تاریخی، رویکرد جامعه‌شناختی، رویکرد روان‌شناختی و رویکرد اسطوره‌ای) به آفریننده اثر توجه داشتند و رویکردهای مدرن چون ساخت‌گرایی، سبک‌شناسی، نشانه‌شناسی، شالوده‌شکنی و بینامتنیت به متن توجه می‌کردند؛ رویکردهایی هم خواننده‌محور بودند، مانند نظریه‌های خوانش یا دریافت. بنابراین قرن بیستم به قرن نقد مشهور شد.

آنچه موجب شد تا من به نگارش این اثر به‌عنوان تاریخ این دوره پردازم، احتمالاً همین مسئله، نقد‌محوری، این قرن بوده است. هدف من هم تاریخ‌نگاری این دوره است و هم شرح و بسط این رویکردها برای کسی که در پی فهم آن رویکردها به‌دور از ابهام و پیچیدگی است. البته ابهام و پیچیدگی یا به بحران اصطلاح‌بازمی‌گردد یا به اختلاف فرهنگی در محیط پیدایش این رویکردها که با فضای فرهنگی و ارزشی جامعه عربی متفاوت است.

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

بخش نخست به رویکردهای بافت‌گرا اختصاص دارد که به چهار فصل تقسیم شده است:

فصل ۱- رویکرد تاریخی

فصل ۲- رویکرد جامعه‌شناختی

فصل ۳- رویکرد روان‌شناختی

فصل ۴- رویکرد اسطوره‌ای

بخش دوم به رویکردهای مدرن پرداخته که شامل پنج فصل به شرح زیر است:

فصل ۱- ساخت‌گرایی

فصل ۲- سبک‌شناسی

فصل ۳- نشانه‌شناسی

فصل ۴- شالوده‌شکنی

فصل ۵- متن‌شناسی

تلاش من بر آن بوده است که به پیدایش هر رویکرد در فضای اصلی آن و مهم‌ترین ناقدان هر رویکرد پردازم و سپس ردپای آن را در جهان عرب بیابم و به بررسی برخی آثار در هر رویکرد و برجسته‌ترین ناقدان آن پردازم و بعد نمونه‌ای از نقد ادبی عرب را که تجلی هر رویکرد است، ارائه کنم. در پایان هر قسمت نیز به اهمیت و جایگاه و مهم‌ترین نقدهای وارده بر هر رویکرد اشاره کرده‌ام.